

حساسیت منطقه و وجود مرزبایع عراق ریاست این افراد در این پست‌های کلیدی تا زمان تهاجم ارتش عراق ادامه یافت؟ غرضی ترجیح داد تا به این سؤال پاسخ نگوید و گفت: «از قبل شماری آر.پی. جی از حافظ اسد گرفته بودم وقتی دزفول محاصره بود با همین آر.پی. جی ها حمله کردیم و با انهدام شمار زیادی تانک از عراقی‌ها سونگرد را آزاد کردیم. اگر ارتش درگیر تاکتیک و این موضوع هان بود، روایت جنگ به گونه دیگری رقم می‌خورد.»

در همین ایام مؤسسه «دین و اقتصاد» چندین نشست کارشناسی با حضور مسئولان عالی رتبه اجرایی که در دولت دوران دفاع مقدس مسئولیت داشتند برگزار کرد که ضمن این نشست‌ها موضوع جنگ در عرصه‌های مدیریتی و تأمین مایحتاج جبهه‌ها بررسی شد. یکی از این نشست‌ها با حضور **دکتر محمد ستاری** فر قائم مقام سازمان برنامه و بودجه سال‌های جنگ بود که ضمن آن نکات بسیاری مطرح شد. ستاری فراز دولت دوران جنگ با عنوان «دولت خاص» نام

در نشست دیگری که در یکی از مساجد تهران برگزار شد و آقایان **محمد رودیان**، **امیر سر تپ مسعود بختیاری** و **مهندس سید محمد غرضی** به همراه **حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی** در آن شرکت داشتند سه محور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ابتدا **حجت الاسلام والمسلمین دعایی** با رد برخی فرضیه‌ها در رابطه با شروع جنگ آن را تصمیمی از قبل پیش بینی شده از سوی رژیم بعث عراق به منظور جبران تحقیرهای رئیس دولت عراق - صدام - اعلام کرد و برای آن تاریخچه مفصلی را ارائه کرد. در محور دیگر کمبودها و نابسامانی‌های مدیریتی در ماه‌های اول جنگ مطرح شد که در این بخش حاضران سؤالات خود را با آقای غرضی که در زمان وقوع جنگ سمت استانداری استان خوزستان را عهده دار بود در میان گذاشتند. مهندس غرضی با یادآوری اینکه در کشور انقلاب شده بود و شیوه‌های بطنی و غیر انقلابی پاسخ نمی‌داد از رفتارهای مدیریتی آن مقطع دفاع کرد.

حضور آقای محمد درودیان با پیشینه پژوهش در حوزه تاریخ

می‌افتاد؟ حاضران را به فکروامی دارد و در ادامه می‌گوید: «البته اگر در نتیجه ادامه جنگ رژیم بعث عراق نابود می‌شد مردم مسلمان عراق از شرارت‌های حاکم ظالم و مستبدی همچون صدام خلاص می‌شدند برای امام بسیار مطلوب بود، ولی خواست خدا این بود که پذیرش قطعنامه زمینه سقوط صدام را فراهم کند و الا اثری از وی و رژیم ستمکارش نباشد.» دکتر علایی با انتقاد از هتاک‌های نسبت به بزرگان نظام که خدمات زیادی داشته‌اند و دارند، اظهار می‌دارد: «شما همه را بجز امام مورد هتک و بی حرمتی قرار می‌دهید که این شیوه مرضی خدا نبوده و مغایر با اخلاق اسلامی است. به علاوه مفهوم این شیوه شما این است که بجز امام (ره) هیچ مسئول دلسوزی وجود نداشته است که این دور از انصاف است.» فرمانده ارشد دوران دفاع مقدس خطاب به الله کرم می‌پرسد: «شما می‌خواستید جنگ را کی و چگونه خاتمه دهید؟ می‌خواستید بغداد را فتح کنید بعد جنگ را پایان دهید. آیا توان این کار وجود داشت؟ حتماً می‌دانید ما در عملیات‌های بزرگ از نظر تأمین نیروی انسانی با مشکل مواجه بودیم، کل نیروهای بسیجی ما با نیروهای کادرتش عراق برابر



عکس: سایت استاد انقلاب اسلامی

حسین علایی

برده و یاد آور شد: «اگر در آن روزگار سخت، ملت و دولت ایران توانست دستاوردهایی داشته باشد، همه مرهون همگرایی همگانی در سایه ولایت امام خمینی (ره) بود.» این عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، با بیان اینکه بنا به دلایلی گذشته‌ها نمی‌شوند حال آنکه گذشته از آن همه ماست، حتی کسانی که آن را نفی می‌کنند، اظهار داشت: «میراث دولت قبل از انقلاب انبساطی بود و در شرایط جنگ باید دولت گسترده‌ای ایجاد می‌شد، اما دولت گسترده، با دستور و حرف محقق نمی‌شود، بلکه باید در عمل و در عرصه‌های گوناگون، شکل بگیرد. دولت دوران جنگ مشغله‌های فراوانی داشت و می‌کوشید تا حوزه‌های اقتصادی را به روال عادی برگرداند. همچنین دولت در اوایل کار، تفکر و اندیشه خاصی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نداشت، اما در عمل، به دلیل تعهد، اخلاق گرایی، پشتکار و آرمان‌هایی که داشت مسائل را واکاوی و برای آنها راه حل پیدا کرد. در دولت دوران جنگ، عقلانیت فردی کم کم عقلانیت جمعی را شکل داد که عقلانیت جمعی نیز عقل سازمانی را ایجاد کرد.» وی همچنین با اشاره به شرایط اقتصادی سال‌های پایانی جنگ گفت: «در سال‌های ۶۵ تا ۶۷، تورم از ۹/۵ به ۲۳ و ۲۸ درصد رسید، اما زیر سؤال بردن کل دوران به این دلیل، بی‌انصافی است، چرا که در دوران جنگ، جریان پول‌های داغ و چاپ اسکناس برای تأمین نیازهای جنگ برای دولت مشکلات جدی ایجاد کرد، حال آنکه این اقدام یک گوشه از عمل حکمرانی بود و دولت با شخص خاصی مقصر نبود.» مجموعه این نشست‌ها حاوی نکات و مطالب درخور توجه بسیاری هستند که برخی از آنها برای نخستین بار از سوی مطلعان مطرح شد. گفتنی است که سردار محسن رضایی برای نخستین بار در این سال از طریق برنامه‌های تلویزیونی خاطر نشان کرد، بعد از آزادی از مشهر ما می‌توانستیم وقفه‌ای شش هفت ماهه بدهیم و اعلام کنیم که اگر دولت عراق خواسته‌های ما را عملی نکند وارد خاک عراق خواهیم شد.

جنگ نشست را به طرح سؤالات اساسی تری پیرامون رخداد جنگ تحمیلی کشاند. ایشان ابتدا با یادآوری سخنی از آقای دعایی اظهار داشت: آقای دعایی قبل از این روایت کرده بودند که صدام در پیامی ابراز تمایل کرده بود (تا برای حل مشکلات بین دو کشور) شخصاً به تهران سفر کند. نمی‌دانم چرا ایشان الان این روایت را عوض کردند و بیان داشتند که تصمیم حمله عراق به ایران به خیلی قبل تر از آغاز جنگ برمی‌گردد! در ادامه اختلافات ارتش و نیروهای انقلابی حول یک محور مطرح شد و ارتشی‌های حاضر در نشست به رفتار مهندس غرضی در ایام استانداری وی انتقاد کردند. مهندس غرضی نیز در دفاع از اقدامات خود گفت: «نیروهایی که با انقلاب زاویه داشتند در خوزستان فعال بودند. من وقتی به خوزستان رفتم نیروی کمی در اختیار داشتم، حتی معاون سیاسی نداشتم، هر روز هم یک جایی منفجر می‌شد. در ماجرای کودتای «نقاب» روزی که بنا بود کودتا شود من رفته بودم به مقر لشکر ۹۲ تا نماز وحدت بخوانیم. دیدم که اکثر افسر‌ها در صف‌های آخر نماز ایستاده یا اصلاً نیامده‌اند و برخی نیز در اطراف هستند و نگاه‌های مشکوکی دارند. من این جمعیت را به مدت سه ساعت نگه داشتم و در مورد ارتش مفصل حرف زدم، ضمن حرف زدن دیدم که جمعیت پراکنده می‌شود، در نهایت فقط سربازها ماندند. بعد از این اتفاق به استانداری رفتم و گفتم که علت این برخورد‌ها را بررسی کنید. آنها گفتند لشکر ۹۲ ما موریت داشته و تپوش هم به سمت استانداری است. من هم دستور دادم که سه نفر از فرماندهان را دستگیر کنند و به جای آنان «جهان آرا» را فرمانده نیروی زمینی و «شمخانی» را فرمانده نیروی هوایی استان کردم. شب که شد دیدم شمار زیادی از این افسران فرار کردند و نفرهم خود را به بغداد رساندند. یعنی همان زمانی که صدام برای بررسی نتیجه کودتا جلسه داشتند. به این ترتیب کودتای «نقاب» از سوی هر کسی که بود در خوزستان مندرس شد، سرکوب نشد، بلکه مندرس شد.»

مسعود بختیاری یکی از فرماندهان و طراحان عملیات ارتش در دوران دفاع مقدس از غرضی پرسید: «چرا با وجود

نمی‌کرد. در جریان فتح خرمشهر که شرایط از هر جهت خوب و مطلوب بود در روزهای آخر عملیات ما نیرو کم آوردیم و واقعاً خرمشهر را خد از یاد کرد.» علایی همچنین در دفاع از آقای هاشمی می‌گوید: شما با کدام منطق این گونه به آقای هاشمی حمله کرده‌اید و او را مورد تعرض قرار می‌دهید! من معتقدم اگر ایشان امام (ره) را محاب کرده باشد تا قطعنامه را بپذیرد و به جنگ پایان دهد، باید مجسمه آقای هاشمی را از طلا بسازیم. شما که خواهان ادامه جنگ بودید بگویید استراتژی شما در جنگ چه بود و تعریف شما از پیروزی چیست؟ آقای هاشمی بعد از عملیات خیبر متوجه شد که پیروزی مطلوبی در جنگ به دست نخواهد آمد و هوشمندانه ایده «جنگ تا کسب یک پیروزی بزرگ» را مطرح ساخت تا با به دست آوردن یک گروگان بزرگ، دشمن را وادار به قبول شرایط ایران نماییم و بعد از آن جنگ را به پایان ببریم.

اگر با آقای هاشمی اختلاف نظر سیاسی دارید چرا ایده هوشمندانه ایشان را زیر سؤال می‌برید؟! امام با شناخت و اعتمادی که به آقای هاشمی داشت ایشان را در منصب جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب فرمود و مدیریت جنگ را به ایشان سپرد. چرا این مدیریت را به من و شما نسپردند؟ دکتر علایی بار دیگر از آقای الله کرم سؤال می‌کند: استراتژی شما برای ادامه جنگ چه بود؟ و در ادامه می‌گوید: «امام بدرستی تصمیم به خاتمه جنگ گرفت و در صورت ادامه جنگ صدام هنوز بر عراق حکومت می‌کرد.» سردار حسین الله کرم بار دیگر بر این موضع خود که آقای هاشمی امام را قانع نکرد بلکه جام زهر را به امام خواند تأکید می‌کند و می‌افزاید: «اگر راه امام را می‌رفتیم با حمایت و همراهی شیعیان غیر ایرانی فشار می‌آوردیم و به نتیجه می‌رسیدیم، ولی شرایط به گونه‌ای پیش برده شد که امام خمینی (ره) ناچار شد با خدا معامله کند و جام زهر را بنوشد. امام (ره) می‌فرمود: این جنگ بین اسلام و کفر است و ما نمی‌توانیم با ظالم برسریک میز بنشینیم و مذاکره کنیم. اگر شما هم بپذیرفتن قطعنامه را درست می‌دانید، بدانید که شما هم از جمله آنان هستید که جام زهر را به امام خوردانید و در کمتر از یک سال امام را کشتید! پس توبه کنید.»